

جهانی شدن و گسترش شبکه های بنیادگرای سلفی

دکتر حسن شفیعی* - مهدی مهرور**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۲۷ و تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۲/۱۱)

چکیده

در این پژوهش به این مسأله توجه شده که جهانی شدن موجب گشته تا زمان و فضا دچار فشردگی شوند و ابزارهای اصلی این پدیده که فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی هستند موجب گردند تا یک فرهنگ جهانی به طور عام به وجود آید. اما، این فرهنگ عام جهانی، مخالفت هایی را نیز با خود به همراه داشته است که از سوی خاص گرایان فرهنگی ابراز شده است. یکی از این خاص گرایان فرهنگی بنیادگرایان سلفی هستند که با دست زدن به ترور، تروریسم نوینی را با عنوان تروریسم پسامدرن به وجود آورده اند و قصد جهاد جهانی را با فرهنگ عام جهانی شده که به زعم آنان کامل غربی است، دارند. این پژوهش قصد دارد به بازشناسی این عده بپردازد که مهمترین گروه آنان با عنوان القاعده شناخته می شود. این تروریست های بنیادگرا دارای افکار و اندیشه های وهابی- سلفی هستند و افرادی ابزارگرا به شمار می آیند، زیرا ابزار جهانی شدن از جمله رسانه های ماهواره ای و شبکه جهانی اینترنت را برای انجام امور تروریستی به کار می گیرند.

کلید واژگان: جهانی شدن، فرهنگ جهانی، بنیادگرایی، تروریسم، سلفی ها، رسانه.

* دانش آموخته دانشگاه تهران.

** دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، گروه روابط بین الملل، کرج، ایران.

مقدمه

جهانی شدن یکی از مسایل مهمی است که در چند دههٔ اخیر و به ویژه پس از پایان جنگ سرد بسیاری از جنبه های زندگی انسانی را تغییر داده است. این پدیده که با انقلاب فناوری و ارتباطی در دهه ۱۹۸۰ اوج گرفت ابتدا حوزه اقتصاد جهانی و سپس دیگر عرصه های جهانی را تحت تأثیر قرار داد. عرصه هایی چون دانش، فرهنگ، جامعه و سیاست. نتیجه این تأثیرگذاری که هر روز نیز افزون تر از روز پیش می گشت و می گردد این بود که یک قطب بندی را در جهان به وجود آورد. در یک قطب یک اقتصاد جهانی شده، یک فرهنگ جهانی شده و دیگر پدیده های جهانی شده به وجود آمد که جوامع بسیاری را در خود جای داد و قطب دیگر چه درون همان جوامع و چه خارج از آن جوامع گروه هایی از مردم را به حاشیه راند. به ویژه در دو حوزه اقتصاد و فرهنگ که منجر به بروز اعتراضاتی آشکار و پنهان در بسیاری از نقاط جهان گردید. نظیر تظاهرات در برابر اجلاس سالانه سران گروه هشت و... و نیز ایجاد شبکه های اجتماعی معترض که دارای ایدئولوژی های بنیادگرایانه بودند و جهانی شدن را چالشی می دیدند که هویت آنها و به تبع آن موجودیت ایشان را تهدید می نماید. به این جهت بود که این شبکه ها فعال شده و گروه های تروریستی را برای حفظ موجودیت خود و مبارزه با وضعیت جدید به وجود آوردند. یکی از این گروه های بنیادگرا و شاید بزرگترین و مهمترین آنها بنیادگرایان سلفی بودند که از یک ایدئولوژی بنیادگرایانه اسلامی پیروی می کردند. جالب توجه آنکه این گروه های اجتماعی نیز برای ارتباط با سلول های درون سازمانی خود، برای سازماندهی به شبکه خویش، برای طرح ریزی اعمال تروریستی خود و... از همان وسایل ارتباطی استفاده می نمایند که جهانی شدن امکان رشد آنها را فراهم آورده است ابزارهایی چون اینترنت و... به این لحاظ این پژوهش تلاش دارد رابطه میان جهانی شدن و این گروه های بنیادگرا را بیشتر مشخص نماید و در این راستا، این پرسش را مطرح می کند که «جهانی شدن در بُعد ارتباطات و فرهنگ چه تأثیری بر شبکه های تروریستی سلفی گذارده است؟» پاسخ به این سؤال، در چارچوب این فرضیه آمده است که «جهانی شدن در بُعد فرهنگی خود با توجه به گسترش فرهنگ غربی در سطح جهان موجب واکنش و افزایش جذب برخی افراد در شبکه های تروریستی بنیادگرای سلفی و در بُعد ارتباطاتی خود موجب گسترش و افزایش فعالیت های این شبکه های تروریستی با استفاده از شبکه های مجازی اینترنتی و... شده است.» روش تحقیق به کار گرفته

شده در این پژوهش نیز، روش علی و معلولی است. زیرا از طریق این روش می توان میزان تأثیر متغیر مستقل پژوهش را بر متغیر وابسته با سهولت بیشتری ارزیابی کرد. اهمیت این پژوهش هم در آن است که رابطه میان جهانی شدن فرهنگ و افزایش انواع حملات تروریستی بیشتر مورد بررسی قرار گیرد. سازمان مقاله نیز چنین است که ابتدا مبانی نظری عرضه می گردد و سپس فرضیه پژوهش به آزمون گذاشته می شود، در انتها نیز از موارد عنوان شده نتیجه گیری به عمل خواهد آمد.

۱. مبانی نظری

الف. جهانی شدن

۱) تعریف جهانی شدن

مارتین آلبور^۱ جهانی شدن را این گونه تعریف می کند: «جهانی شدن به معنی فرآیندهایی است که مردم جهان از طریق آن در جامعه واحد جهانی قرار می گیرند.» آنتونی گیدنز^۲ معتقد است: «جهانی شدن را می توان به مثابه افزایش و تقویت روابط اجتماعی در گستره ی جهان تعریف کرد که مناطق جغرافیایی دور از هم را به گونه ای به یکدیگر ارتباط می دهد که رویدادهای واقع شده در یک نقطه، بر اتفاقات منطقه دیگر که در فاصله ای بسیار دور واقع شده، اثر می گذارد و بالعکس.»^(۱) بر این اساس جهانی شدن، فرآیند افزایش ارتباطات بین جوامع است، به گونه ای که وقایع و تحولات یک گوشه از جهان به طور فزاینده ای بر کل جهان تأثیر می گذارد. دنیای جهانی شده، دنیایی است که در آن به طور روزافزونی وقایع و رخدادهای نظامی، تروریستی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، زیست محیطی، بهداشتی و... به یکدیگر مرتبط شده و تأثیرگذاری بیشتری دارند.

۲) ابعاد جهانی شدن

به طور کلی ابعاد و ویژگی های جهانی شدن را می توان در حوزه های فرهنگ، اقتصاد، سیاست، اجتماع، حقوق بین الملل، ارتباطات و فناوری، ظهور جامعه واحد اطلاعاتی، ظهور جامعه واحد جهانی و جهانی شدن تروریسم و جنگ اطلاعاتی مورد بررسی قرار داد. اما آنچه در این مقاله بیشتر مد نظر است،

^۱ - Martin Alborow

^۲ - Anthony Gidens

مسأله جهانی شدن فرهنگ است که در این مجال به آن پرداخته می شود. امروزه، فزون تر از گذشته، نوعی فرهنگ و هنجار جهانی ایجاد شده است، به گونه ای که بیشتر مناطق شهرنشین و حتی روستاها از بسیاری جهات همانند یکدیگر شده اند. جهان دارای فرهنگ و هنجارهای مشترکی است که بخش مهم آن از اینترنت سرچشمه می گیرد و به تدریج گسترش می یابد، به طوری که جهان به طور روزافزون در حال همگن شدن است و به تدریج تفاوت های موجود بین مردم کاهش می یابد. «اگر چه فرهنگ جهانی و سرمایه داری با بهره گیری از فناوری های نوین در حال گسترش است، اما از آنجایی که «فرهنگ»، هویت، کنش ها، واکنش ها، سنن، هنجارها، آداب و رسوم هر فرد و جامعه ای را می سازد، و در یک کلام معرف حیات اجتماعی انسان هاست، طبیعی است که هر فرهنگی در برابر سایر فرهنگ ها از خود واکنش نشان دهد. یعنی غیریت ستیزی جزء ذاتی هر فرهنگی است. بنابراین جهانی شدن فرهنگ در بستری صاف و هموار قرار ندارد که به سادگی اتفاق بیافتد. اتفاقاً جریان جهانی شدن فرهنگ سرمایه داری نیز به دلیل خصلت غیریت ستیزی اش، موجب تحرک، ایجاد مقاومت و احیاء فرهنگ های محلی و بومی در سراسر دنیا شده است.» (۲) جهانی شدن فرهنگ، به این ترتیب موجب گردیده تا برخی از فرهنگ ها با آن به مخالفت برخیزند، فرهنگ هایی که خود را خاص می دانند و در مقابل همگونگی فرهنگی ناشی از جهانی شدن یا همان عام گرایی فرهنگی، مقاومت می نمایند. در برابر خاص گرایی فرهنگی وجود دارد که «بسیاری از پژوهشگران علاقه مند به جهانی شدن آن را فرآیندی پیچیده می دانند که آثار و پیامدهای تناقض آمیزی دارد و برجسته ترین نمود این تناقض و پیچیدگی در عرصه فرهنگ آشکار می شود. فرآیند جهانی شدن نه تنها نوعی همگونی و ادغام فرهنگی را در پی دارد، بلکه اسباب تنوع، واگرایی و رستخیز فرهنگی را هم فراهم می کند. ...البته مفهوم بندی دقیق خاص گرایی فرهنگی آسان نیست و یک تعریف آن عبارت است از توسل به عناصر هویت بخش فرهنگی خاص که در آن بر بی همتایی شیوه ها، اعمال و ایده های یک گروه یا جماعت معین تأکید می شود. بسیاری از گروه های خاص گرا مثل بنیادگرایان، کل فرآیند جهانی شدن یا بخشی از آن را با عبارت ها و عنوان های متفاوت رد می کنند. از دیدگاه آنها جهانی شدن نه تنها تهدیدی جدی به شمار می آید، بلکه فرآیندی گریز ناپذیر و غیرقابل برگشت هم نیست.» (۳) یعنی می توان با مجموعه رفتارهایی دوباره گذشته و سنت ها را ارائه کرد و فرآیند جهانی

شدن را قطع نمود. ذات باوری دیگر ویژگی خاص گرایی فرهنگی به شمار می آید. برخلاف عام گرایی فرهنگی که کم و بیش با نسبیت باوری فرهنگی شناخته می شود و بر درک متقابل و هم پذیری نسبی استوار است، خاص گرایی فرهنگی هیچ گونه تحمل و تساهل و همزیستی را بر نمی تابد و پلورالیسم فرهنگی در آن محلی از اعراب ندارد از دیدگاه بسیاری از نظریه پردازان، البته باید افزایش گوناگونی و شمار خاص گرایی فرهنگی را باید یکی از ویژگی های برجسته جهانی شدن به شمار آورد. تمامی انواع خاص گرایی فرهنگی ترکیبی از آگاهی ها، تنش ها و ستیزهای قومی و جنبش های ملی گرایانه به شمار می آیند و در همه این خاص گرایی ها زبان، نژاد، قوم، دین و تاریخ محور و مبنای بسیج و سازمان دهی افراد و گروه های مختلف می شود که گاهی به درگیری های بسیار خشونت بار می انجامد.

ب. بنیادگرایی

بنیادگرایی دینی به دین معین و مشخص محدود نمی شود و از لحاظ جغرافیایی بسیار پراکنده است و همچنین از لحاظ پیروان نیز تنوع محسوسی دارد. این جنبش ها بسیار متنوع هستند و معمولاً افراد گوناگونی به آنها می پیوندند. بنابراین طیف هوادارن، «می توان گفت که بنیادگرایی امروزی نوعی واکنش اجتماعی دینی به تهدید خیالی تحمیل شده توسط فرآیند جهانی شدن است. بنیادگرایان معتقدند که دگرگونی های اجتماعی باعث تهدید شیوه زندگی، ارزش ها و عقاید دینی مطلوب آنها می شود و باید سرسختانه با این دگرگونی ها مبارزه کرد. ... بنیادگرایان وضع موجود را نامطلوب می دانند و تصویری ناپسند از آن عرضه می کنند. آنها به ویژه ساختار فرهنگی حاکم بر جهان را به باد انتقاد می گیرند و فرهنگ جهانی را آماج حملات خود قرار می دهند. ویژگی این فرهنگ جهانی، اصول و ارزش های تجدد است و به همین دلیل تجدد ستیزی به رسالت اصلی بنیادگرایان تبدیل می شود. بر این اساس و از آنجا که مدرنیسم پدیده ای جهانی است، بنیادگرایی نیز جهانی می شود.» (۴) در بنیادگرایی دینی خاص گرایی فرهنگی پررنگ تر و برجسته تر است. «ولی بنیادگرایی دینی متأخر و متفاوت است. این پدیده که مهم ترین و برجسته ترین نمود بنیادگرایی فرهنگی به شمار می آید و کم و بیش سرتاسر جهان را فرا گرفته، رسالتی متفاوت بر عهده دارد. به بیان دیگر امروزه دین در قالب بنیادگرایانه خود به

مهم ترین منبع هویت سازی در جهان تبدیل شده است.»(۵)

بنیادگرایی دینی که نخستین بار در یک جامعه مسیحی شکل گرفت، شدت تنوع و گسترش آن در جهان اسلام بسیار بیشتر از جوامع مسیحی بوده و در طول دو دهه اخیر، انقلابی فرهنگی-دینی تقریباً همه جوامع اسلامی را فرا گرفته است. اقلیت های مسلمان کشورهای غیرمسلمان هم معمولاً به جنبش ها و گروه هایی بنیادگرا پیوسته اند. امروزه هم در جوامع توسعه یافته غربی هم در جهان سوم و هم در کشورهای تازه استقلال یافته گسترش بنیادگرایی اسلامی را می توان دید که گاهی به ستیزها و درگیری های خونین می انجامد. در جوامع اسلامی وضع بنیادگرایان متفاوت است. هم در اندیشه پیشگامان احیای تفکر دینی مانند حسن البنا و سید قطب مصری، علی النداوای هندی و مودودی پاکستانی که جنبش های بنیادگرایانه دینی معاصر را تحت تأثیر قرار داده اند و هم در ایدئولوژی های بنیادگرایانه کنونی، ضرورت بازسازی و بازنویسی تاریخ اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. این بازسازی از آن رو برای بنیادگرایان اهمیت دارد که به واسطه آن هم می توان تصویری از گذشته طلایی امت اسلام به دست داد و هم علل و عوامل افول اسلام را شناسایی کرد. الگویی که بنیادگرایان چونان جامعه آرمانی خود می سازند، از همین تاریخ بازسازی شده اسلام به ویژه در سال های حکومت پیامبر اسلام گرفته می شود. «عرضه تصویری نسبتاً منفی و نامطلوب از جهان معاصر (از جمله در جهان اسلام) دیگر ویژگی مشترک بنیادگرایان اسلامی را تشکیل می دهد. در تصاویر نسبتاً همسانی که بنیادگرایان از وضع موجود عرضه می کنند سرتاسر جهان غیر اسلام را پلیدی، بی بند و باری، بی اخلاقی و تساهل افراطی فرا گرفته است. از دیدگاه آنها این دارالکفر زیر سیطره فرهنگی جهانی است که سنت ها را تضعیف می کند، ارزش هایی کاملاً غیر دینی و غیراخلاقی را رواج می دهد و به فساد، خشونت، خودخواهی، لذت جویی و فردگرایی دامن می زند. در باور بنیادگرایان، این فرهنگ جهانی کفرآمیز نه تنها سرزمین های غیراسلامی، بلکه دنیای اسلام را هم آلوده کرده است. ... بر پایه ایدئولوژی بنیادگرایانه اسلامی، راه رستگاری را فقط باید در فرهنگ و تاریخ اسلام جستجو کرد و نخستین گام در این راه، مبارزه و جهاد علیه جهل و مفسد اجتماعی و فرهنگی منحط بیگانه در سرزمین های اسلامی و نیز در سرزمین های آنهاست تا همه چیز اسلامی شود و سیاست برای همیشه در خدمت دین قرار گیرد.»(۶)

به این جهت که بنیادگرایان در عرصه عمل اجتماعی به اعمالی دست می زنند که خشونت آمیز است و

در بسیاری اوقات به صورت پدیده تروریسم ظاهر می شود.

پ. تروریسم

۱) تعریف تروریسم

واژه ترور از ریشه لاتینی «ترس»^۱ به معنای ترساندن و وحشت است. «اگر چه سازمان ملل متحد هنوز تعریفی از تروریسم را نپذیرفته است، تعریف مورد اجماع صرفاً «نظری» سازمان ملل که توسط کارشناس تروریسم، الکس اشمیت، نوشته شده است عبارت است از اینکه: تروریسم اقدام خشونت آمیز تشویش برانگیز و دلهره آور است که افراد و گروه های نیمه سری یا بازیگران دولتی بنا به دلایل فردی غیرمعمول و نامتعارف، جنایی یا سیاسی مرتکب می شوند. برخلاف «ترور» که هدف مشخص است، قربانیان انسانی آن معمولاً به طور تصادفی آسیب می بینند و مجموعه گزینش شده ای از یک جمعیت هستند.»^(۷) همچنین «بخش کنترل و نظارت بر مواد مخدر و جلوگیری از جرم و جنایت در سازمان ملل متحد»^۲ یک تعریف حقوقی کوتاه پیشنهاد کرده است: تروریسم معادل است با جنایت جنگی در دوران صلح.»^(۸)

۲) تروریسم نوین یا پسامدرن

یکی از ویژگی های تروریسم جدید، تأثیر شگرفی است که پیشرفت های تکنولوژیک ناشی از جهانی شدن بر سرشت و نمود آن گذاشته است. «پیشرفت و تحولات انجام شده در زمینه فناوری رایانه و انتقال اطلاعات بر گروه های تروریستی و نحوه فعالیت آنها تأثیر گذار بوده است. استفاده گروه های تروریستی از فناوری رایانه باعث پیدایش «تروریسم رایانه ای»^۳ یا «تروریسم شبکه ای»^۴ شده است. امروزه با توجه به عمق و شدت وابستگی جوامع پیشرفته در همه امور خود- از دفاع گرفته تا امور انتظامی، بانکداری، تجارت، حمل و نقل، فعالیت علمی و بخش بزرگی از معاملات بخش دولتی و بخش خصوصی- به ذخیره سازی، بازاریابی، تحلیل و انتقال اطلاعات از طریق رایانه، اصطلاح، «تروریسم

^۱ - Ters

^۲ - The UN Office for Drug Control and Crime Prevention.

^۳ - Cyber Terrorism

^۴ - Net Terrorism

اطلاعاتی»^۱ وارد قاموس گفتمان تروریسم شده است و آسیب پذیری نسبت به تروریسم رایانه ای در حال افزایش است.» (۹) تروریسم رایانه ای جان میلیون ها نفر را در سراسر جهان تهدید می کند. مخصوصاً آسیب پذیری شبکه های رایانه ای نظامی را در مقابل هکرها بالا می برد. در واقع این نوع از تروریسم می تواند از تسلیحات بیولوژیکی و شیمیایی هم مخرب تر باشد. سایبر تروریست ها دارای انگیزه های سیاسی برای ارتکاب به این جرم هستند... بسیاری از گروه های تروریستی که از پیش قادر به جذب منابع از دولت های حامی خود بودند، اکنون سایبر تروریسم را تاکتیکی مقرون به صرفه می دانند که آنها را از وابستگی به حمایت خارجی می رهاوند فرصت هایی که محیط رایانه ای برای گروه های تروریستی که در حالت عادی در حاشیه قرار می گرفتند فراهم نموده و موجب بالا رفتن شمار گروه هایی شده است که وابستگی کمتری به حامیان دولتی خارجی دارند. به همان نسبت که وابستگی گروه های تروریستی به حمایت دولتی کاهش می یابد، آزادی عمل آنها هم برای انجام حملات خاص تروریستی بیشتر می شود.» (۱۰) تروریست ها با استفاده از فناوری رایانه، ساختارهای حمایتی ماندگاری را می توانند ایجاد نمایند که به آنها در پیشبرد هدف های استراتژیکی و تاکتیکی شان کمک خواهد کرد. در حال حاضر گروه های تروریستی از فناوری رایانه در چارچوب موارد ذیل استفاده می کنند: «تبلیغات سیاسی (از جمله ارائه عمدی اطلاعات نادرست)؛ عضوگیری؛ تامین مالی؛ ایجاد ارتباطات و هماهنگی بین گروه ها و درون هر گروه؛ جمع آوری اطلاعات؛ پنهانکاری و ناشناس ماندن در فعالیت های روزمره و نیز در عملیات تاکتیکی؛ و تسهیل عملیاتی که هم از نظر منابع صرف شده و هم از لحاظ توانایی تأثیرگذاری در سطح جهان «به صرفه» هستند. نمونه های مشخص را می توان یادآور شد که گروه های تروریست با بهره گیری از فناوری رایانه، فعالیت های تروریستی خود را آسان تر به انجام رسانده اند. نمونه بسیار رایج این امر استفاده از اینترنت برای اهداف تبلیغاتی و ضد اطلاعاتی است. برخی از سازمان های گروه های بنیادگرای اسلامی که از اسامه بن لادن پیروی می کنند، برای هماهنگ ساختن فعالیت های خود از رایانه استفاده می کنند.» (۱۱)

فناوری یارانه از جمله ابزاری است که به گروه های تروریستی در مورد تغییر در «ساختار داخلی» گروه می تواند یاری رساند و موجب می شود تا آنها بتوانند نوع ساختار گروه را تغییر دهند. «به این معنا

¹ - Info Terrorism

که در سیستم شبکه ای که متکی بر فناوری رایانه ای است، نوع دیگری از ساختار برای ارتباطات تروریست ها شکل می گیرد که مبتنی بر عدم تمرکز است.^۱ به این ترتیب می توان بیان نمود که در عصر جهانی شدن گروه های بنیادگرا به ویژه بنیادگرایان سلفی که عملگرا تر هستند و دست به جهاد می زنند، می توانند اقدامات تروریستی خود را با استفاده از ابزارهای جهانی شدن از جمله اینترنت و ماهواره که در خدمت ارتباطات هستند، طرح ریزی و اجرا کنند و سازماندهی افقی برای اعضای خود ایجاد نمایند، به طوری که نیازی به رعایت سلسله مراتب نباشد و هر عضو بتواند دستورات را به طور مستقیم از رهبران دریافت کند، بدون اینکه افراد دیگر عضو را که در حال فعالیت در همان عملیات هستند بشناسد و ناشناخته ماندن امری است که موجب امنیت بیشتر برای تروریست های بنیادگرا می شود.

بر اساس آنچه در بخش پیشین آمد، در این بخش به ریشه یابی پدیده تروریسم پرداخته خواهد شد تا مولفه های تأثیرگذار بر شکل گیری این پدیده مورد بررسی قرار گیرد.

تروریسم پدیده پیچیده و متنوعی است و نمی توان در یک حوزه خاص نسبت به ریشه یابی آن اقدام نمود، «به همین دلیل کنکاش در خصوص ریشه های تروریسم متضمن توجه به حوزه های روانی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی است. افراد مختلفی نسبت به مطالعه و ریشه یابی علل تروریسم اقدام کرده اند اما در میان این اندیشمندان کسانی چون جerald پست^۱ در حوزه ریشه های روانی تروریسم، مارتا کرشناو^۲ در خصوص ریشه های سیاسی تروریسم، تد رابرت گر^۳ در حوزه ریشه های اقتصادی تروریسم و بالاخره مارک یورگنس مه یر درباره ریشه های مذهبی و دینی تروریسم بیشتر جلب نظر می کنند.»^{۱۸}

۲. گسترش تروریسم بنیادگرای سلفی از طریق ابزارهای ارتباطی جهانی شدن

الف. پیدایش القاعده

با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویورک، مفهوم تروریسم نیز دچار دگرگونی شد. «مفهوم

^۱ - Jerald post

^۲ - Martha Krishna

^۳ - Ted Robert Gurr

تروریسم با گستره جهانی یا تروریسم جهانی شده، تعریفی بود که به ویژه از سوی دولت آمریکا بعد از این حادثه مطرح شد. «(۱۳) با این رویکرد نوین، ایالات متحده مبادرت به جنگ تمام عیار علیه تروریسم نمود و عمده این عملیات علیه شبکه تروریستی القاعده صورت گرفت که در افغانستان تحت لوای رژیم طالبان به سر می برد. القاعده، نام تشکیلات بین المللی تروریستی بنیادگرایی است که متشکل از شبکه های تروریستی اسلامی است که همگی در راستای کاهش دادن تأثیرات و دخالت های غیر مسلمانان بر دنیای اسلام و در جهت گسترش یافتن اسلام در جهان مبارزه می کنند. اکثر اعضای شبکه القاعده پیرو مسلک سلفی هستند و از سال ۱۹۹۵، نام این سازمان در فهرست سازمان های تروریستی قرار گرفته و رهبر آن اسامه بن لادن است. در حقیقت، «هسته اصلی القاعده بین سال های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۹ در کشور افغانستان شکل می گیرد و در آن مصریان نقش قاطعی ایفا می کردند. القاعده در آغاز کار خود، گونه ای حلقه برادری یا اخوت بین رزمندگان سابق در افغانستان بود که بیشتر از طریق پیوندهای شخصی، مشخص و قابل درک ایجاد شده بود. ضد آمریکایی شدن این بنیادگرایی در سال ۹۱-۱۹۹۰، در طی جنگ دوم خلیج فارس روی داد. در طی و بعد از این دوران، رادیکالیسم ضدآمریکایی در خاورمیانه شکل ملموسی به خود گرفت که حاکی از پدیداری شکافی بین اسلام سیاسی و بنیادگرایی اسلامی مسلح و رادیکال بود. در این زمان شکل جدیدی از خشونت در جهان اسلام روی نمود که کاملاً از تروریسم دولتی یا شورش های اسلام گرا متمایز بود. اهداف، دیگر محدود به سیاست مداران نبود، بلکه همچنین شامل روشنفکران و غرب گرایان نیز می شد و آنان نیز مخصوصاً در جوامعی مانند مصر و الجزایر مورد هدف قرار می گرفتند. به عبارت دیگر به نظر می رسد در این دوره، بنیادگرایان، از گرایش سیاسی به مردم و بسیج و آگاهی بخش توده ای، به سوی اقدامات گسترده تر و غیر معطوف به سیاست داخلی روی نموده اند. وقتی دو سفارتخانه آمریکا در آفریقای شرقی در آگوست ۱۹۹۸، منهدم شدند و سپس تداوم همین نحوه عملیات در دوره های بعد ادامه یافت، این اعتقاد تقویت شد که این حملات از خاک افغانستان و توسط شخص بن لادن هدایت می شود» (۱۴) و با حملاتی به برج های دوقلوی تجارت جهانی و پنتاگون انجام شد، آمریکا برای نابودی القاعده به افغانستان لشکر کشید.

بسیاری بر این باور هستند که این حملات در عصر جهانی شدن و با جهانی شدن فرهنگ از طریق رسانه های ارتباطی که فرهنگی جهانی را به وجود آورده است که خاص گرایان فرهنگی همچون

بنیادگرایان با آن مخالف هستند و در پی سرعت یافتن رویارویی تمدن ها بر طبق پیش بینی ساموئل هانتینگتون روی داده است و اسلام رادیکال در برابر غرب قرار گرفته است. «یورام شوایتزر^۱ و شائول شای^۲ بر این باورند که نوعی از ترور اسلامی که القاعده به راه انداخته و «جنگ علیه ترور»^۳ که ایالات متحده بعد از حملات یازده سپتامبر اعلام کرده است، برخوردی فرهنگی بوده و در دو حوزه به وقوع پیوسته است: در حوزه اول بین فرهنگ محلی^۴ و فرهنگ های دولت محور^۵ و در حوزه دوم نیز بین فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی رخ داده است. به نظر آنها حتی اهدافی نیز که در ۱۱ سپتامبر انتخاب شده بودند، نشان از چنین برخوردی دارند؛ برج های دو قلو نشانه قدرت اقتصادی و پنتاگون نیز سمبل قدرت نظامی بود. «این حملات، نشان دهنده برخورد ایالات متحده و مفهوم شهری آن با اسامه بن لادن و مفهوم بدوی وی می باشد.»^۳ بر طبق همین استدلال، «به نظر الیور روی^۶ مسلمانان در مواجهه با پیشرفت و تهاجم تمدن غربی، سه نوع عکس العمل نشان داده اند: گروهی، حسرت گذشته را خورده^۷ و معتقدند که این اسلام است که تمدن را برای غرب به ارمغان آورده است. گروه دوم، فرضیه بالا را رد کرده^۸ و بر این باورند که هیچ دلیلی برای برتر دانستن ارزش های غربی وجود ندارد. گروه سوم نیز از اسلام دفاع کرده^۹ و عنوان می کنند که هر چیزی را که انسان نیاز دارد در قرآن و سنت وجود دارد و اسلام، بهترین دین می باشد. دو گروه اول، موضعی تدافعی داشته اند، اما گروه سوم، حالت تهاجمی به خود گرفته است و القاعده در این دسته جای می گیرد.»^{۱۵} به هر صورت «القاعده، نقطه پیوند اسلام رادیکال، تروریسم و جهانی شدن می باشد. در واقع، جهانی شدن و فشارهای همگون ساز ناشی از آن، موجب بروز مقاومت و واکنش های خاص گرایانه نظیر رادیکالیسم اسلامی و خشونت گرا

^۱ - Yoram Schweitzer

^۲ - Shaul shay.

^۳ - War Against Terror

^۴ - Terror- Culture

^۵ - State- oriented.

^۶ - Oliver Roy

^۷ - The Nostalgia Argument.

^۸ - Rejection of Hypothesis

^۹ - The Apologia for Islam.

موجب بروز مقاومت و واکنش های خاص گرایانه نظیر رادیکالیسم اسلامی و خشونت گرا می گردد. از سوی دیگر همین جریان همگون ساز، با امکان پذیر بودن دسترسی به فناوری های نوین اطلاعات و ارتباطات، این جنبش تروریستی را بیش از پیش تقویت نموده و به عبارت بهتر؛ آن را جهانی می کند.» (۱۶) البته برای این پیوند زمینه های فکری نیز لازم بوده است که در اینجا تنها گوشه‌ای از این زمینه فکری بیان می شود که همانا اعتقاد به جهاد است.

ب. القاعده و جهاد جهانی

(۱) زمینه های فکری جهاد

معنای جهاد از لحاظ شرعی این است که «انسان با گذشتن از جان و مال خویش، در راه برتری توحید و کلمه اسلام و پایه های رسالت و اقامه شعائر ایمان و برافراشتن پرچم دین الهی، با تمام امکانات خود تلاش و مبارزه کند.» (۱۷) اولین شخصی که به صورت گسترده ای از واژه جهاد تهاجمی استفاده کرده ابن تیمیه بود. اما در عصر حاضر این ابوالاعلی مودودی بود که برای نخستین بار به صورت روشمندانانه ای به واژه جهاد پرداخت. با این حال مهم ترین شخصی که اندیشه هایش به طور مستقیم بر نوع برداشت سازمان القاعده از واژه جهاد تأثیر به سزایی گذاشت، عبدالله عزام بود. بن لادن نیز به تبعیت از هم کیشان خود اولین وظیفه اصلی مسلمانان را بعد از ایمان، جهاد می داند. وی جهاد را تهاجمی و برای تثبیت حاکمیت خداوند بر روی زمین دانسته و آن را جنگ مقدس به شمار می آورد که مشروعیت دارد. در اینجا جای دارد در مورد آرای مربوط به جهاد که اینک وجهی جهانی شده پیدا کرده است، بیشتر توضیح داده شود.

الف) ابن تیمیه: در سال ۱۲۸۵ میلادی مغول ها بغداد را تصرف کردند. «پیروزی مغول ها به قرن ها قدرت بغداد در دنیای اسلام پایان داد. این حادثه و حوادثی که بعد از آن رخ داد، مشاجرات زیادی را در دنیای اسلام و در میان مسلمانان برانگیخت. یکی از این اشخاص، ابن تیمیه حنبلی مذهب (۱۳۲۸-۱۲۶۳ م) بود. وی تنها چند سال پس از سقوط بغداد به دنیا آمد و علیه حاکمان مسلمان شده مغول دست به شورش زد. از نظر او بعد از پیامبر و خلفای راشدین، اسلام تحریف شده است. وضعیت جامعه ای که ابن تیمیه در آن زندگی می کرد باعث شد تا وی برای سرنگونی رژیم حاکم که بر یک اقلیت

نظامی متکی بود، اعلام جهاد کند. در واقع، ابن تیمیه اولین متأله مسلمان بود که به صورت منظم و منسجم به مسئله جهاد پرداخت و یک بخش بزرگ از کتاب السیاسه الشرعیه را به این موضوع اختصاص داد. ابن تیمیه با ذکر آیات متعددی که راجع به جهاد در قرآن آمده است، نتیجه گرفت که جهاد، عملی است که یک مسلمان مؤمن می تواند انجام دهد. از نظر او جهاد بر حج، نماز و روزه برتری دارد. از نظر وی ویژگی واقعی یک انسان نه در ریاضت و تقوای فردی بلکه در جهاد بروز پیدا می کند.» (۱۸)

ب) ابوالاعلی مودودی: ابوالاعلی مودودی (۱۹۷۹-۱۹۰۳ م) اولین شخصی است که به صورت روش مندانه ای به واژه جهاد پرداخت و آن را وارد ادبیات سیاسی معاصر کرد. «به نظر وی اسلام یک ایدئولوژی انقلابی می باشد که به دنبال برپایی نظم اجتماعی در کل جهان و بازسازی آن بر پایه اصول و ایده آل های خود است. ... مودودی جهاد را به منزله نبردی انقلابی برای اجرای دستورات خداوند بر روی زمین تشریح می کند. این نبرد به سبب خواسته های خود شخص نیست بلکه برای به دست آوردن رضایت خداوند می باشد؛ هدف جایگزینی «سزار به جای سزار» نیست بلکه استقرار عدالت و برابری اجتماعی در بین بشریت است که در این راه مسلمانان باید همه دارایی های خود و حتی زندگی خود را صرف کنند.» (۱۹)

پ) سید قطب: متفکر اسلام گرای رادیکال مصری، «سید قطب (۱۹۶۶-۱۹۰۶ م) دومین شخصی است که به صورت مبسوطی واژه جهاد را بررسی کرده و آن را وارد ادبیات گروه های نظامی اسلام گرا کرد. از نظر وی اسلام جنبشی آزادی بخش است که برای نجات انسان ها و آزادی بشریت آمده است: اسلام یا هست یا نیست. اگر اسلام هست، مبارزه و جهاد پی گیر و دامنه دار و سپس شهادت در راه خدا و در راه حق و عدالت و مساوات است. از نظر وی مسلمانان واقعی آنهایی هستند که «در راه اعتلا و برتری کلمه حق - نام خدا- به جهاد مشغول اند. به اعتقاد سید قطب ... تنها جنگی را که اسلام مشروع دانسته و به آن اعتراف می کند جنگ در راه خدا و برای عدالت اجتماعی است.» (۲۰)

ت) عبدالله عزام: عبدالله عزام در سال ۱۹۴۱ در جنین متولد شد. «وی جزء اولین اشخاصی بود که برای شرکت در جهاد علیه شوروی و برای اشاعه افکار خود به افغانستان رفت. وی پس از رسیدن به پاکستان ابتدا در دانشگاه اسلام آباد به تدریس پرداخت، اما خیلی زود آن جا را رها کرده و برای کمک به

مجاهدین افغانی راهی پیشاور شد. در طول فعالیت هایش به این نتیجه می رسد که تنها راه موفقیت در استقرار جامعه اسلامی، جهاد علیه دشمنان اسلام است. عزام به یکی از رهبران برجسته جهاد تبدیل شد و کتاب های متعددی در این زمینه نوشت که در آنها عقاید و جهان بینی خود را درباره جهاد و آینده اسلام شرح می دهد. وی در بیست و چهارم نوامبر ۱۹۸۹ به همراه دو پسرش و در راه رفتن به نماز جمعه در پیشاور پاکستان ترور شد. فراخوانی مسلمانان جهان به جهاد در افغانستان و اعلام این که جهاد وظیفه فردی همه مسلمانان است، موضوع اصلی دو کتاب مهم عبدالله عزام به نام های دفاع از سرزمین های اسلامی و الحاق به کاروان می باشد. اندیشه های عبدالله عزام در تئوری پردازی برای سازمان های جهادی جدید نقش بسزایی داشته است. نوشته های او تبدیل به مانیفستی برای جنگ جوین مسلمانان شد که می خواهند جهاد جهانی علیه غرب به راه انداخته و «دولت های دست نشانده» خاورمیانه را براندازند. «(۲۱) عبدالله عزام که از او به عنوان طراح و ایدئولوگ اصلی القاعده نیز یاد می شود، متفکری است که بیشترین تأثیر را در شکل گیری دیدگاه های بن لادن داشته است و برای سال ها راهنمای فکری بن لادن بوده است.

۲) جهاد و اسامه بن لادن

«پس از بمب گذاری در مرکز تجارت جهانی (۱۹۹۳) سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا از این مساله آگاه شده بود که بن لادن برخی از گروه های تروریستی را به لحاظ مالی تغذیه می کند، اما در اواخر سال ۱۹۹۷ بن لادن را به عنوان تامین کننده عمده بودجه عملیات بنیادگرایان مسلمان شناسایی کرد. در سال ۱۹۹۷ مقامات سیا دریافتند که القاعده یک کمیته نظامی دارد که درصدد انجام عملیات علیه منافع آمریکا در سراسر جهان و نیز به دنبال دستیابی به مواد هسته ای است. آنها او را با حملات علیه نیروهای آمریکایی در عدن و سومالی در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ و حوادث مانیل (۱۹۹۵-۱۹۹۴) مرتبط کردند. از این زمان بود که آمریکا درصدد انجام عملیات پیش گیرانه و تهاجمی علیه بن لادن برآمد. بعد از بمب گذاری در دو سفارت آمریکا در کنیا و تانزانیا در سال ۱۹۹۸، کلینتون، بن لادن و القاعده را به طور رسمی بر اساس مواد پیمان IEEPA تحت پیگرد قانونی قرار داد.» (۲۲) دو اعلامیه جهاد علیه آمریکا وجود دارد که هسته مرکزی فلسفه بن لادن را تشکیل می دهد. وی در بسیاری از اعلامیه ها و نوارهای ویدئویی خود گفته است: «این جنگ، در اصل جنگ مذهبی است» و در تمامی موارد مساله

آمریکا را تکرار کرده است: «به خدا قسم می خورم که آمریکا دیگر هرگز روی آرامش به خود نخواهد دید... تا زمانی که همه نیروهای کافر غربی اماکن مقدس را ترک نکنند، این وضعیت ادامه خواهد داشت و کسانی هم که تسلیم این ابر قدرت شده اند به مراتب بدتر از سایرین هستند.» اولین اعلامیه در آگوست ۱۹۹۶ و تحت عنوان «اعلامیه جهادی علیه آمریکا که سرزمین دو مکان مقدس (حرمین شریفین) را اشغال کرده است» صادر شد. وی جهاد را تهاجمی و برای تثبیت حاکمان خداوند بر روی زمین دانسته و آن را جنگ مقدسی می داند که مشروعیت دارد.» (۲۳) دومین فتوا یا اعلامیه در ۲۳ فوریه ۱۹۹۸ و تحت عنوان «جبهه جهانی اسلامی برای جهاد علیه یهودیان و نصرانیان» صادر شد. «در این اعلامیه، بن لادن به همراه سران گروههای اسلام گرایی از مصر، پاکستان و بنگلادش هم صدا شده و جبهه ای برای جنگ علیه آمریکایی ها و متحدانش تشکیل دادند که طبق تلقی آنان علیه خداوند، پیامبرش و مسلمانان اعلام جنگ کرده اند.» (۲۴) القاعده در ۲۴ آوریل ۲۰۰۲ اعلامیه ای درباره «حکم قهرمانان و مشروعیت عملیات ایشان در نیویورک و واشنگتن» صادر کرد که در آن به توضیح دلایل شرعی حملات ۱۱ سپتامبر پرداخته است. در این اعلامیه در دو مورد راجع به ممنوعیت کشتن شهروندان بحث می شود، با این توضیح که نخست اینکه، القاعده معتقد است کسانی که در حوادث ۱۱ سپتامبر بی گناه کشته شدند، با توجه به روایتی از پیامبر می توان آن را توجیه کرد؛ دوم اینکه، القاعده معتقد است کشتن غیر نظامیان به طور کامل ممنوع نیست، بلکه شرایطی وجود دارد که تحت آن شرایط کشتن شهروندان مجاز می شود.» (۲۵) بنابراین به طور کلی می توان گفت «از نظر القاعده، جهاد و مبارزه با کفر نه تنها مهم ترین اولویت و وظیفه هر مسلمانی است، بلکه فقط محدود به صلیبی ها و یهودیان نمی شود و حاکمان کشورهای اسلامی که پیمان اتحاد با کافرانی چون آمریکا و متحدانش منعقد کرده اند نیز از جمله کسانی هستند که جهاد علیه آنها واجب است.» (۲۶)

مطابق ایدئولوژی القاعده، مرز میان انسان ها را اعتقاد یا عدم اعتقاد به اندیشه ایشان مشخص می کند و کسانی که از این مکتب فکری پیروی نکنند، تحت عنوان کافر، مشرک و منافق مشمول قوانین وضع شده سختی قرار می گیرند. بر این اساس، همفکران ایدئولوژیک «دوست» و کسانی که اندیشه دیگری دارند «دشمن» تلقی می شوند و با استفاده از جهاد باید از بین بروند. اما به هر حال، بن لادن و عناصر او محصول گونه ای جهانی شدن هستند. جا به جایی جمعیت ها از طریق تبعید ها و مهاجرت

ها، قبيله گرایی علمی، یعنی نقل و انتقالات از دانشگاهی به دانشگاه دیگر در مقیاس جهانی، نهادهای موعظه گر فراملی و فراملیتی و غیره. پس، بن لادن نماینده یک بنیادگرایی سنی، از نظر ایدئولوژیک محافظه کار و فراملی (هم از نظر ایدئولوژیکی و هم از نظر سربازگیری) است» (۲۷) که از ابزارهای جهانی شدن همچون رسانه های جمعی و اینترنت بهره می گیرد.

پ. القاعده در رسانه های جمعی

(۱) استراتژی رسانه ای القاعده

با گسترش ارتباطات و فرآیند جهانی شدن «رسانه ها نقش مهمی را در استراتژی القاعده، پس از اینکه پایگاهش را در افغانستان از دست داد، پیدا کرد. صحنه مبارزه جهانی در فقدان یک قلمرو عینی و قابل مشاهده، رسانه ها را تبدیل به اولین مکان برای یک جنگ سیاسی تمام عیار کرد و استراتژی بزرگ بن لادن استفاده از قدرت رسانه های جمعی بود. پوشش خبری رسانه های عربی به ویژه الجزیره از ویدئوهای بن لادن و شورش های عراق، باعث گردیده تا مقامات رسمی آمریکایی این رسانه ها را به خاطر همکاری آگاهانه، اما مؤثر با نیروهای جهادی مورد انتقاد قرار دهند. طیف گسترده مخاطبین الجزیره و رویکرد انتقادی آن بهترین وسیله برای بن لادن به منظور ارتباط با جهان عرب بود. اما در یک چرخش، ابومصعب الزرقاوی، فرمانده سابق القاعده در عراق که کشته شد، به عنوان یک نسل جدید از رهبران این سازمان، با کنار گذاشتن تلویزیون های ماهواره ای و رو آوردن به اینترنت استراتژی کاملاً متفاوتی را در پیش گرفته بود. در حالی که هدف بن لادن و الظواهری مخاطب قرار دادن هر چه بیشتر مسلمانان و آنهایی بود که بی تفاوت بودند، زرقاوی تمرکزش را بر روی بسیج نیروهای جهادی فعلی برای انجام عملیات های مرگبار گذاشته بود.» (۲۸)

با این حال زرقاوی اولین فردی نبود که در این سازمان از اینترنت استفاده می کرد. القاعده حتی قبل از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، «خود را با ظهور تلویزیون های ماهواره ای و اینترنت تطبیق داده و از امکانات سیاسی جدایی ناپذیر فناوری های رسانه ای جدید به خوبی باخبر شده بود. زرقاوی و بن لادن هر دو اهمیت انقلابی این پیشرفت ها را درک کرده بودند و این موضوع را می توان از این گفته بن لادن که «سخنرانی ها و تبلیغات ماهواره ای، قدرتی همانند بمب های هوشمند و موشک های کروز

دارد» نیز درک کرد. بنابراین القاعده از همان ابتدا سرمایه گذاری وسیعی در مورد تبلیغات و رسانه ها کرده بود.» (۲۹) رسانه های گروهی همچنین تبدیل به مکانی گردیده است که مباحث و استدلال های گروه های جهادی در آن مطرح می گردید.

به روشنی می توان گفت، این مساله بعد از ۱۱ سپتامبر پر رنگ تر جلوه کرد. به طوری که شوک عظیم رسانه ای، بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر تروریسم را جهانی کرد. اسامه بن لادن، کودتا گونه همه تلویزیون ها و رسانه های گروهی جهان را فتح و با قدرت تمام «تصویر خود و اقداماتش را به همه رسانه های گروهی و سایت های خبری اینترنتی تحمیل کرد و همه تلویزیون های آمریکا را علیه دولت این کشور به کار گرفت. او توانست از طریق رادیو و تلویزیون و شبکه های اینترنتی و نوارهای ویدئویی و سی دی ها به طور شگفت انگیزی وارد منازل مردم دنیا و حتی مردم آمریکا شود و در درون خانواده ها قدرت ویرانگر خود و ناتوانی آمریکا را به نمایش بگذارد. بدین ترتیب بن لادن که تا یک روز قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر کمتر شناخته بود، یک شبه تبدیل به مشهورترین فرد جهان شد. او ماهرانه توانست از یکپارچگی رسانه های گروهی جهان برای ابلاغ پیام جهانی اش استفاده کند.» (۳۰) متعاقب این جهانی شدن رسانه ای القاعده بود که پوشش خبری رسانه های عربی از ویدئوهای بن لادن و شورش های عراق، باعث گردید، مقامات رسمی آمریکایی این رسانه ها را به خاطر همکاری غیر آگاهانه اما مؤثر با نیروهای جهادی مورد انتقاد قرار دهند. با این وجود نیروهای جهادی، رسانه ها را یک متحد قابل اتکا و اعتماد به حساب نمی آورند. بن لادن در اظهاراتی در ژانویه ۲۰۰۴، رسانه های عربی را اصلی ترین عامل انحراف دنیای اسلام دانست و گفت: «آن دسته از رسانه های مردمی که مأموریت های مذهبی همچون جهاد را کم اهمیت جلوه می دهند، ملحد و خائن هستند.»

با شروع سال ۲۰۰۳ فضای رسانه ای اعراب رقابتی تر شد. از آن زمان شبکه القاعده با یک محیط رسانه ای متنوع روبه رو گردید که استراتژی رسانه ای القاعده را پیچیده تر می کند. شبکه ماهواره ای الجزیره با پوشش های خبری متهورانه و گسترده و برگزاری جلسات بحث و گفتگوی متداوم، انقلابی را در فضای سیاسی اعراب ایجاد کرد. الجزیره با تمرکز خود بر روی مسائلی چون مقاومت فلسطینیان در برابر اسرائیل، حمله آمریکا به عراق و شکست های رژیم های عربی فصل جدیدی را در فضای رسانه ای خاورمیانه گشود. الجزیره رنج و درد مسلمانان سراسر جهان را برجسته و نمایان ساخت و پوشش

خبری مناسبی از آنچه در افغانستان، عراق و فلسطین می گذشت ارائه داد. سخنرانی های بن لادن که با دقت و احتیاط زیادی ضبط شده بودند، حاوی موضوعاتی چون فلسطین، عراق و فساد موجود در رژیم های غربی بود.» (۳۱) در هر صورت استراتژی رسانه ای القاعده و زرقاوی، در نهایت با هدف بازسازی بنیادی گفتمان سیاسی و هویتی جهان اسلام انجام می پذیرفت. آنها دریافته بودند که «در عصر مدرن، رسانه ها به طرز غیرقابل انکاری تبدیل به ابزار جنگ شده اند. امروزه پیروزی در جنگ های مدرن بیش تر از آنکه متکی به تسلیحات نظامی باشد، بستگی زیادی به حمایت و بسیج افکار عمومی دارد. تحلیل کارشناسان بخصوص پس از جنگ سرد نشان داده است پیروزی های نظامی صرف در میدان جنگ، بدون موفقیت سیاسی و یا جذب افکار عمومی چندان پایدار نبوده و یا نتایج مطلوبی به همراه نیاورده است. با این حال متنوع شدن فضای رسانه ای جهان عرب و در نتیجه رقابتی شدن آن، هم برای القاعده و هم برای آمریکا به مانند یک شمشیر دولبه عمل کرده است. از سویی اگر یک شبکه تلویزیونی ماهواره ای از پخش ویدئوهای بن لادن یا الظواهری خودداری کند، معمولاً شبکه های دیگری وجود دارند که مایل به پخش آن باشند و از سوی دیگر رویکرد این شبکه ها در دعوت از کارشناسان و صاحب نظران سیاسی و دینی و برپایی مناظرات مختلف در مورد عقاید و سخنان بن لادن یا الظواهری باعث گردیده است تا شعارها و نظرات القاعده تنها به عنوان یک اظهارنظر یا عقیده در میان دیگر عقاید و اظهار نظرها قرار گرفته و بینندگان تلویزیونی را در نتیجه گیری و قضاوت آزاد می گذارد. این رویکرد از سوی برخی از شبکه های تلویزیونی غیر دولتی عربی و بخصوص الجزیره، تأثیر مثبت خود را گذارده و بسیاری از ناظران بر این عقیده هستند که نفوذ القاعده در حال کم شدن است.» (۳۲) البته با توجه به اینکه القاعده به صورت گسترده در حال استفاده از رسانه های جمعی است باید دید که آیا این نظر درست است یا خیر؟ به طور مثال می توان به گفته ایمن الظواهری اشاره نمود که در جولای ۲۰۰۵ گفته بود: «ما در حال جنگ هستیم، جنگی که بخش مهمی از آن در میدان نبرد رسانه ای رخ می دهد. ... ما در این جنگ رسانه ای برای فتح قلوب و افکار امت اسلامی می جنگیم. بنابراین می توان نتیجه گرفت که «القاعده با انجام عملیات های تروریستی بزرگ و دادن پوشش رسانه ای وسیع به آنان یا پخش ویدئوهای زمان بندی شده از بن لادن و یار وفادارش ایمن الظواهری و همچنین به وجود آوردن اتاق های بحث و گفت و گو و تبلیغ اینترنتی برای جهاد. تلاش کرده است تا

به صورت روزافزونی تبدیل به یک پدیده رسانه ای نیرومند گردد. استراتژی بزرگ بن لادن و زرقاوی، استفاده از قدرت رسانه های جمعی بوده است. شبکه خبری الجزیره و دیگر ایستگاه های تلویزیونی ماهواره ای، فضای مجازی قدرت نمایی آنها را مهیا کردند و از سوی دیگر مهاجرت ایدئولوژی جهاد به شبکه جهانی اینترنت رخ داده است که نمونه آن استفاده زرقاوی از اینترنت برای انتقال پیام ها و اعلامیه های خود بوده است. «(۳۳) به این ترتیب که «نیروهای القاعده شاخه ی بین النهرین به رهبری ابومصعب الزرقاوی در مورد نیکلاس برک کاری وحشیانه انجام دادند. زرقاوی شمشیر خود را برمی کشد و سر نیکلاس برک را از تن جدا می کند. دوربین در این لحظات بر چشمان فرد سر بریده متمرکز می شود تا عذاب و رنج را در اعماق روح و جان آمریکایی ها نفوذ دهد. این فیلم در تاریخ ۱۱ مه ۲۰۰۴ روی سایت «انصار وب» به نمایش گذاشته شد و از آن طریق بر روی میلیون ها سی دی ضبط و از اندونزی (در شرق) تا آمریکا (در غرب) توزیع شد. بعد از آن، گروه های دیگر تلاش کردند کار زرقاوی در سر بردن بر روی اینترنت را تقلید کنند. هدف سازمان تروریستی القاعده از پخش این گونه تصاویر، ایجاد رعب و وحشت در میان سربازان، دولتمردان، و مردم عادی کشور دشمن به منظور از بین بردن اراده ی سیاسی طرف مقابل بود.» (۳۴)

۲) القاعده و شبکه جهانی اینترنت

دو دهه پیش، فضایی به نام فضای الکترونیکی چندان مطرح نبود، ولی حالا این فضا همه مناطق جهان را در بر گرفته است. به طوری که، «امروزه برخلاف دیدگاه های کلاسیک تهدید شامل بعد نظامی و استفاده از ابزارهای قهریه نمی باشد، بلکه ابزارهای ارتباطی، فرهنگی، تکنولوژیکی، سیاسی، اقتصادی و... در به وجود آوردن مفاهیم ناامنی و تهدید دخیل هستند. پس از یازده سپتامبر القاعده به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی و امنیت جهانی به شمار می رود. در این میان اینترنت به عنوان مهمترین ابزار در دست این گروه برای انجام فعالیت های تبلیغاتی، فرهنگی و... می باشد. بی شک گروه القاعده با توجه به دارا بودن بیش از ۵۶۰۰ سایت، تهدیدی نوین در به زیر سوال بردن امنیت ملی کشورها ایفا می کند. پس از یازده سپتامبر به دلیل محدودیت های فزاینده اعمال شده بر این گروه به عنوان یک گروه تروریستی در جهان، اینترنت فضای مجازی اهمیت حیاتی برای القاعده پیدا کرده است، به گونه ای که در صورت عدم وجود اینترنت فعالیت های این گروه با مشکلات اساسی مواجه خواهد

شد. القاعده با استفاده از اینترنت و ایجاد یک شبکه ارتباطی مجازی به سازماندهی نیروهای چند ملیتی خود می پردازد، همچنان با استفاده از اینترنت فعالیت های آموزشی، تبلیغاتی، فرهنگی، ترویجی، سیاسی و نظامی را پی گیری می کند» (۳۵) و این مسأله به این جهت است که در جوامع پیشرفته امروزی، ذخیره سازی، تحلیل و انتقال تکنولوژی الکترونیکی اطلاعات به یکی از اهداف تروریست ها تبدیل شده است. باید توجه داشت که امور نظامی، دفاعی، بانکداری، بازرگانی، حمل و نقل و فعالیت های علمی و درصد وسیعی از معاملات بخش دولتی و بخش خصوصی از طریق شبکه اینترنت صورت می گیرد و این امر می تواند حوزه بسیار وسیعی از زندگی جوامع را در معرض خرابکاری تروریست ها قرار دهد. القاعده با در اختیار داشتن مهندسان ماهر رایانه و هکرهای قدرتمند تا حد زیادی می تواند کنترل اطلاعات و نقل و انتقالات الکترونیکی در کشورهای جهان به ویژه خاورمیانه را به دست گیرد... این سازمان از ابزار های جهانی شدن به ویژه اینترنت برای تبلیغ حملات خود استفاده می کند، زیرا دریافته است که تفاوت زیادی بین استفاده کردن و نکردن از این فناوری وجود دارد، تفاوت های موجود میان تاکتیک های تروریستی متعارف و تاکتیک هایی که با استفاده از رایانه صورت می گیرد در سه نکته کلیدی خلاصه می شود: «اول، آسان ساختن عملیات، دوم، افزایش توان بالقوه و سوم، هرچه گمنام تر ماندن. اقداماتی که با توسل به این شیوه انجام می شود به سهولت قابل کشف نیست و به آسانی نیز نمی توان با آنها مقابله کرد؛ و همین ، تروریست ها را قادر می سازد که با استفاده از فناوری نوین، ساختارهای حمایتی ماندگاری ایجاد نمایند که به آنها در پیشبرد اهداف استراتژیکی و تاکتیکی شان کمک کند. این مهم با توسل به این اقدامات انجام می شود: تبلیغات سیاسی (از جمله ارائه عمدی اطلاعات نادرست)؛ عضوگیری؛ تأمین مالی؛ ایجاد ارتباطات و هماهنگی بین گروه ها و درون هر گروه؛ و جمع آوری اطلاعات.

اینترنت برای تروریست ها جذابیت مضاعف دارد زیرا این فناوری با فراهم آوردن بیشترین مخاطب برای مشاهده فعالیت های خشونت آمیز، موجب تکرار مضامین اصلی مبارزات آنها می شود و با یادآوری مکرر توانایی های بالقوه آنها برای توسل به اقدامات خشونت آمیز، در آینده، موجب تشدید و افزایش ترس و وحشت در مخاطبان مورد نظر تروریست ها می گردد.» (۳۶) استفاده از این فناوری چنان اهمیت دارد که «حتی برای مدتی، شبکه تروریستی القاعده برای تبلیغات از اینترنت به عنوان مکانی

برای بحث و تبادل نظر در مورد شیوه های عملیات تروریستی و نظرخواهی و پاسخ به سئوالات هواداران استفاده می کرد. زیرا، القاعده از گروه های ناوابسته ای تشکیل یافته که در سراسر جهان پراکنده اند و مستقلاً عمل می کنند، و به همین دلیل یعنی خصوصیت نامتمرکز، سازمانی است که می تواند از شبکه اینترنت بیشترین استفاده را ببرد. ...پیش از یک سال است که شیوه برنامه ریزی القاعده در شبکه اینترنت توسعه و تغییر یافته است. امروزه این سازمان از فناوری پیشرفته ای چون فناوری اینترنتیو استفاده می کند که بیشتر با نام اختصاری **Web 2.0** مشهور است. در این فناوری جدید، گروه های مختلف می توانند در یک سایت اینترنتی با یکدیگر به بحث و تبادل نظر بپردازند و دیدگاه های مختلف عقیدتی و همچنین شیوه های گوناگون مبارزاتی را یا دشمن با هوادارانشان مطرح سازند. سایت های جدید این امکان را می دهند که در کنار اطلاع رسانی و بیان نظرهای جدید رهبران تروریستی، شنیدن صدا و تصویر آنان، دیدن مراسم مختلف، امکان ابراز نظر و طرح سوالات مختلف، وجود داشته باشد. این گونه سایت های اینترنتی این خاصیت را دارند که در صورت بسته شدن یکی، بسیاری دیگر بدون دغدغه به کار خود ادامه دهند.» (۳۷) به این ترتیب و با فناوری **Web 2.0**، در سایت های اینترنتی القاعده دو بخش وجود دارد: بخش اول، مربوط است به دیدگاه گردانندگان این سایت و خبرهای آنان برای هوادارانشان در سراسر جهان و بخش دیگر به نظرات بازدیدکنندگان از این سایت ها در موردهای مختلف و سوالات آنها از مسئولان تشکل اختصاص یافته است. در این بخش هرکس می تواند نظر خود را بنویسد و آن را در سراسر جهان پخش کند. ویدئوهای مجاهدان چچنی، نمونه ای از بخش اول این سایت های اینترنتی هستند. در آنجا سخنرانی ایمن الظواهری، فرد شماره دو شبکه تروریستی القاعده را می توان دید. در جای دیگر تمرین های نظامی ابومصعب الزرقاوی، رهبر اردنی تبار شبکه تروریستی القاعده در عراق را، که به قتل رسید، می توان مشاهده کرد و با شیوه های ساختن بمب های دست ساز آشنا شد. «القاعده هفته ای یک بار برنامه ای به اسم «صدای خلافت» پخش می کند. این برنامه در حقیقت نوعی تربیون تبلیغاتی برای اعضای القاعده است. متن سخنان گفته شده در این شبکه تلویزیونی برای چند روز بر روی سایت باقی مانده و قابل دانلود کردن است. «صدای خلافت» پایه و مبنای فعالیت خود را بر جذب افکار عمومی قرار داده است. در این برنامه فیلم های مربوط به انفجار های حقیقی به نمایش گذاشته می شود. علاوه بر این، فیلم تمرین نظامی افرادی که لباس نظامی بر تن

دارند نیز پخش می شود. این قبیل تصاویر از چند سال پیش که القاعده به دنبال اعضای جدید می گشت پخش شده و بیشتر از آن که جنبه اطلاع رسانی داشته باشد، جنبه تشویق جوانان در پیوستن به این گروه را داشته است. هر بیننده ای که به تماشای «صدای خلافت» می نشیند، تنها یک مسئله به ذهنش خطور می کند، گردانندگان این برنامه تنها به یک چیز فکر کرده اند: آن ها می خواهند جهان را از توانایی های خود آگاه سازند. «(۳۸) طبق تحقیقاتی که توسط ماهنامه تخصصی «ستتیل» در آمریکا صورت گرفته، جلسات تبادل نظر بر روی اینترنت به وسیله القاعده یکی از منابع مهم جذب نیروهای جدید برای این سازمان است.

به عقیده «گابریل وایمن» این تروریست ها به چند شیوه از اینترنت بهره برده اند: مبارزه روانی، تبلیغات، استخراج اطلاعات، جمع آوری بودجه، عضوگیری، شبکه ای شدن، برنامه ریزی و همکاری. سازمان القاعده به دلیل استفاده از ایمیل ها و وب سایت های اینترنتی توانسته بود مدیریت بازی را عملاً در اختیار بگیرد؛ یعنی از یک سو با استفاده از اینترنت توانسته است پیام های تهدیدآمیز برای رؤسای جمهور آمریکا و اروپا بفرستد و از دیگر سوی توانسته است که مستقیماً با حدود ۳ میلیون نفر مسلمان در جهان ارتباط برقرار کرده و ایدئولوژی خود را آن چنان که می خواهد به آنها برساند. «(۳۹) تمامی صاحب نظرانی که فعالیت های سازمان القاعده را دنبال می کنند، عقیده دارند که استفاده القاعده از اینترنت به صورت یک کار معمولی و دائمی درآمده است؛ روزانه ده ها خبر از سوی خبرگزاری های معتبر و وزین مخابره می شود که همگی دلالت بر استفاده القاعده از اینترنت دارند. به عنوان مثال، «صلاح الدین دوم، از کارشناسان الکترونیکی شبکه تروریستی القاعده از مسلمانان کشورهای مختلف خواسته است که در یک جبهه مطبوعاتی اسلامی بین المللی که در سال های اخیر دایر شده است گرد هم آیند و با اتحاد و همبستگی، گردان های جهاد مطبوعاتی تشکیل دهند، تا بتوانند به سلطه صهیونیسم بر رسانه های جهانی پایان دهند و دشمنان اسلام را مرعوب سازند. احمد الواتق بلاح، یکی دیگر از کارشناسان القاعده در این باره می گوید: جبهه مطبوعاتی اسلامی بین المللی یک پایگاه اطلاع رسانی اسلامی در شبکه اینترنت است. وی می افزاید: هدف ما مبارزه با دشمن صهیونیسم است. این جبهه متعلق به فرد یا گروه خاصی نیست بلکه متعلق به تمامی مسلمانان است. این جبهه محدودیت جغرافیایی ندارد و ما از تمامی کارشناسان و متخصصان فناوری های جدید اطلاع رسانی و ارتباطات،

تمامی تولید کنندگان و عکاسان می خواهیم که در این جبهه به ما ملحق شوند. جبهه مطبوعاتی اسلامی بین المللی در واقع به جای جبهه جهانی مبارزه با یهودیان و مسیحیان که در سال هزار و نهمصد و هشتاد به دست اسامه بن لادن، در افغانستان دایر شد تأسیس شده است.» (۴۰) همچنین «مسئولان القاعده، در این پایگاه های اینترنتی با استفاده از ادبیات جهادی، تلاش کرده اند تا داوطلبان مبارزه با نیروهای اشغالگر و ضد اسلام را با روش های مختلف نبرد شهری، نحوه استفاده از سلاح های مختلف از جمله کلاشینکف، موشک های آر پی جی و یا سوخت مواد منفجره آگاه سازند و این گونه آموزش ها به افزایش شمار تروریست هایی منجر خواهد شد که به صورت انفرادی و بدون وابستگی به گروه یا سازمان تروریستی خاصی مانند القاعده فعالیت می کنند.» (۴۱) ابومصعب الزرقاوی به عنوان مهارترین استفاده کننده القاعده از اینترنت، «در آوریل ۲۰۰۴ برای اولین بار فیلمی را در این شبکه به نمایش گذاشت که در آن اعضای نقابدار القاعده، بمبی را بر سر راه نیروهای نظامی آمریکا قرار می دهند تا خودروهای آنها را منفجر کنند. در ۲۵ آوریل زرقاوی با استفاده از اینترنت اولین بیانیه الکترونیکی خود را منتشر می کند و طی آن مسئولیت عملیات شهر بصره را به عهده می گیرد. او در این بیانیه می گوید: «ما چنین تصمیمی گرفتیم تا پرچم جهاد را به اهتزاز در آوریم... ما کمان ها را در قایقی که به سوی عظمت پیش می رود، به دست گرفته ایم.» (۴۲) از این رو می توان گفت: «ابومصعب زرقاوی از زمان شروع عملیات های تروریستی خود تا زمان کشته شدنش چرخش محسوسی را از توجه به تلویزیون های ماهواره ای به سمت اینترنت داشت. زرقاوی با کنار گذاشتن تلویزیون های ماهواره ای و رو آوردن به اینترنت استراتژی کاملاً متفاوتی را در پیش گرفت. در حالی که هدف بن لادن و الظواهری مخاطب قرار دادن هر چه بیشتر مسلمانان و آنهایی است که بی تفاوت هستند، زرقاوی تمرکزش را بر روی بسیج نیروهای جهادی فعلی گذاشته بود. الظواهری معتقد بود برای پیروزی نیاز به حمایت عمومی دارد؛ به همین خاطر او طی نامه ای نگرانی عمیق خود را از کشتارهای بی رحمانه زرقاوی و حملاتش به شیعیان عراق بیان کرد. واکنش الظواهری به جنبش های آزادی خواه و دموکراتیک در جهان اسلام، وارد کردن القاعده به مباحث مربوط به اصلاحات در شبکه هایی نظیر الجزیره بوده است. اما زرقاوی نه علاقه ای به چنین مباحثی داشت و نه خواهان آن بود که جنبش خود را با «اصلاحات» یا «دموکراسی» گره بزند. قدرت از نظر او از حقانیت مجاهدین سرچشمه می گرفت و نه از متقاعد کردن توده

مردم.» (۴۳) زرقاوی مکرراً تلویزیون الجزیره را به خاطر عدم حمایتش از مجاهدین مورد انتقاد قرار می‌داد و در اتاق های گفت و گوی اینترنتی، مجاهدین طرفدار زرقاوی، تلویزیون های ماهواره ای عرب را «رسانه های صلیبی» می‌نامیدند. «ارجحیت دادن به اینترنت نسبت به تلویزیون های ماهواره ای، بیانگر بیزاری زرقاوی از جنبش های غیر جهادی بود. استفاده از اتاق های گفت و گوی اینترنتی، پخش ویدئوهایی که شامل گردن زدن گروهان هاست و اخبار اینترنتی، فضایی مجازی برای زرقاوی به وجود آورده بود که خارج از کنترل دولت هاست و محدود به کسانی می‌شود که در جست و جوی این گروه هستند. در پاییز سال ۲۰۰۵، زرقاوی شروع به پخش اخبار اینترنتی کرد که از آن به عنوان تنها رسانه مجاز برای مجاهدین نام برد.» (۴۴) گروه ابومصعب الزرقاوی که به نسل دوم القاعده شهرت یافته اند، بیشترین سهم را در بهره برداری از اینترنت به خود اختصاص داده اند، «یوان کولمان مشاور مرکز مبارزه با تروریسم که از نزدیک سایت های اینترنتی را نظارت می‌کند، اظهار داشته است: «سازمان القاعده بسیار راغب بود که از فناوری اینترنت در کارهای خود استفاده کند، اما عصر بن لادن، عصر فاکس و تلویزیون های ماهواره ای بود و نسل جدید القاعده که زرقاوی نماینده شاخص آن بوده است، عصر اینترنت است و او به نحو احسن از آن استفاده می‌کند.» (۴۵) القاعده برای نشان داده چهره دلخواه خود سعی می‌کند هرچه بیشتر از ابزارهای جهانی شدن یعنی اینترنت به بهترین نحو استفاده نماید. به همین منظور بر روی «شبکه اینترنت ماهنامه ای تحت عنوان «ذروه السنام» (به معنای رشد کوهان شتر) منتشر می‌کنند که در آن عملیات‌ها کشتار را نمایش داده و آموزش‌های نظامی و همچنین دستورالعمل‌ها را به هواداران خود ارائه می‌دهند. در کنار این گروه مجموعه‌ای از جوانان متخصص ماهر و زبردست در زمینه کامپیوتر و اینترنت وجود دارد که لحظه به لحظه، چه از حیث اطلاع رسانی و چه از حیث اطلاع دهی، خدمات خود را در اختیار رهبران القاعده قرار می‌دهند. این شبکه سعی می‌کند از ابزارهای نوین فناوری اطلاعات و ارتباطات هم برای عضوگیری و گسترش شبکه خود به مناطق مختلف جهان و هم برای تأثیر گذاشتن بر افکار عمومی بیشترین استفاده را بکند. با توجه به چنین اثراتی، القاعده اقدام به ایجاد تشکیلاتی تحت عنوان «جبهه جهانی اطلاع رسانی اسلامی» کرده است. این جبهه با صدور بیانیه ای اعلام کرده است: «... فناوری گردش اطلاعات، همه چیز را آسان کرده است ... و «وب‌ها» این فرصت را برای همه در اقصی نقاط جهان فراهم می‌کنند که به سخنان

(مجاهدین) گوش فرا دهند.» طبق اطلاعات تأیید شده، القاعده شاخه اروپایی به تنهایی دارای ۲۷ سایت و عنوان اینترنتی است که از طریق آن تصاویر وحشت آور قطع سر و کشتن گروگان ها را در عراق به نمایش در می آورد و موجب رعب و وحشت در میان مردم اروپا می گردد. القاعده همچنین برای تهدید دشمنان خود به استفاده از سلاح های میکروبی و شیمیایی از طریق اینترنت عمل می کند که این عملکرد نسبت به گروه های تروریستی گذشته متفاوت است. این تهدید اینترنتی بسیار پیچیده صورت می گیرد به طوری که می توان گفت: «تهدید اینترنتی دشمن به استفاده از سلاح های غیرمتمعارف و شیمیایی در گستره جهانی؛ اروپا، آمریکا، استرالیا، آفریقا و آسیا است. این پدیده در عصر مدرن وجود نداشته، بلکه پدیده ای کاملاً پست مدرن است که آن را پست تروریسم می خوانند. القاعده نماد و تبلور تمام عیار پست تروریسم است؛ یعنی از اینترنت استفاده می کند تا دشمنانش را به استفاده از بمب های غیرمتمعارف و شیمیایی تهدید کند و میدان نبردش هم یک مکان خاص جغرافیایی نسبت به کل جهان است؛ این نوع تروریسم در تاریخ بی سابقه و بی نظیر بوده است.» (۴۶) کنترل فعالیت شبکه های ویدئویی القاعده توسط سرویس های اطلاعاتی غرب نشان داده که اعضای واحد فیلم سازی القاعده علی رغم اینکه از استودیوی ثابتی برخوردار نیستند، در طول سال های گذشته به شدت بر فعالیت تبلیغاتی خود افزوده اند. تحلیلگران آمریکایی بر این باورند که تعدادی از کارشناسان کارکنان کامپیوتری القاعده از طریق فعالیت در خانه هایی که از آنها به عنوان مکانی برای تولید فیلم های ویدئویی با کیفیت و با فرمت های متفاوت استفاده می شود و با تولید فیلم های ویدئویی هر سه روز یک بار، در حال هدایت استراتژی تبلیغاتی اینترنتی القاعده هستند. برای مثال موسسه «السحاب» به عنوان شاخه (بازوی) رسانه ای القاعده که پیام ویدئویی اسامه بن لادن را به مناسبت ششمین سالگرد حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر پخش کرد، یکی از موسساتی است که در کانون توجهات بین المللی قرار دارد. ولی مساله این است که اطلاعات کمی در خصوص این انستیتو یا چگونگی فعالیت آن وجود دارد و وجود آن تبدیل به مساله غامضی برای سرویس های اطلاعاتی غرب شده است. ...بنابر اطلاعات موجود، انستیتو السحاب در طول آغاز فعالیت خود در سال ۲۰۰۵ تنها ۱۶ پیغام ویدئویی منتشر ساخت. در سال ۲۰۰۶ این آمار را به ۵۸ پیغام ویدئویی رساند و تا اواخر سال ۲۰۰۷، بیش از ۷۵ پیغام ویدئویی منتشر کرده است. فیلم های ویدئویی منتشر شده متشکل از پیام ها و مصاحبه های رهبران القاعده و

همچنین فیلم های تبلیغاتی است که توسط شورشیان در عراق و افغانستان ساخته شده است. ولی موضوعی که گیج کننده می باشد این است که تقریباً تمام این فیلم ها به صورت همزمان و در انواع گوناگونی از فرمت های کامپیوتری ارایه شده اند. بن ونزک «از مدیران موسسه امنیتی «اینتل سنتر» می گوید: «کارشناسان القاعده در مسیر استفاده از آخرین تکنولوژی ها گام بر می دارند و به محض ورود یک تکنولوژی جدید به بازار، شروع به استفاده کردن از آن می نمایند.» بنابر این گزارش پیغام ویدیویی اخیر اسامه بن لادن در ۵ فرمت مختلف قابل دسترسی بوده و حتی امکان دانلود آن بر روی گوشی های تلفن همراه و کامپیوترهای جیبی همراه وجود داشته است. این در حالی است که امکان دانلود این پیام ویدیویی از ۲۰ سایت اینترنتی متفاوت وجود داشته و حتی این گروه اقدام به تولید پیام های ترجمه شده بن لادن به زبان های مختلف کرده که هر کدام از آنها از گرافیک متفاوتی برخوردار بوده اند. به باور کارشناسان انتشار پیغام های بن لادن به زبان های انگلیسی، آلمانی، دانمارکی و بسیاری از زبان های دیگر، به موضوع دیگر به جز پیام ها اشاره می کند و آن این است که آنها غرب را هدف گرفته اند.» (۴۷) به این ترتیب باید گفت امروزه توانایی استفاده کنندگان اینترنت برای دسترسی به حجم عظیمی از اطلاعات که قبلاً جمع آوری آنها برایشان مشکل بود، افزایش چشمگیری یافته است. در ژانویه ۲۰۰۳، وزیر دفاع آمریکا دونالد رامسفلد اعلام کرد که برخی اطلاعات مهم نظامی در سایت های وزارت دفاع آمریکا آمده است. او اعلام کرد که در ۷۰۰ گیگا بایت اطلاعات موجود در سایت های وزارت دفاع آمریکا، جمع زیادی از برنامه ها فعالیت ها و طرح ها وجود دارد. در جولای ۲۰۰۴ محمد نعیم نورخان، متخصص رایانه القاعده دستگیر شد، رایانه او پر از تصاویر و نمودارهای ساختمان هایی در آمریکا بود که ممکن بود برای انجام عملیات تروریستی مورد استفاده قرار گیرد. تروریست ها با مطالعه منابع خبری اینترنتی و سایت های اداری می توانند از اقدامات خود و از اقدامات و طرح هایی که دولت ها برای مبارزه با آنها آماده می کنند، مطلع شوند. نورخان، پیشتر نیز در سایت «موسوعه الجهاد» که سایتی وابسته به القاعده بود، اعلام نموده بود که یکی از اهداف گروه وی دسترسی به اطلاعات کشورهای عربی و غربی برای انجام عملیات است، ادعایی که پس از دستگیری وی به اثبات رسید. میا حث مطرح شده خاطر نشان می سازد که القاعده با تمام توان از ابزارهای جهانی شدن برای رشد و توسعه اقدامات تروریستی جهانی خود به نحو مطلوبی بهره می برده است و پس از کشته شدن اسامه بن

لادن در ۲۸ می ۲۰۱۱، اگرچه ادامه فعالیت القاعده در پرده ای از ابهام قرار گرفته است، باز هم از این فناوری استفاده خواهد کرد.

نتیجه گیری

در دوران جهانی شدن، جهان کوچک و فشرده شده است و مردم به سرعت با فاصله زمانی بسیار کم به وقایع و تحولاتی که در هر نقطه از جهان به وقوع می پیوندد، آگاه می شوند. شبکه جهانی اینترنت، پست الکترونیک، شبکه های رادیو و تلویزیون ماهواره ای و جنبش های اجتماعی بین المللی بارزترین مظهر جهانی شدن هستند. فناوری های نوین اطلاعاتی، مانند اینترنت و... سبب شده است که مناسبات قدرت تغییر کند به طوری که امروزه جنگ و منازعات که در آنها زور مهلک برای به انقیاد آوردن دشمن به کار می رفت، کاملاً دگرگون شده است. در شرایط جدید، قدرت در دست کسانی قرار می گیرد که دارای مهارت های چشمگیری باشند. این شرایط باعث شده است تا تروریسم در سطح بین المللی نیز متحول شود و از تروریسم مدرن به تروریسم پسا مدرن تغییر ماهیت دهد. گروه های تروریستی با بهره گیری از امکانات جدیدی مانند تسهیل در ارتباطات از طریق ابزارهای جهانی شدن، سازمان یافتگی منعطف همچون سازمان های پسامدرن، اقدام برق آسا و غافلگیرانه در سطح جهانی بهره مند شوند، به گونه ای که نوعی از تروریسم ایجاد شود که از توان تخریب جمعی و سریع آن هم در سطح جهانی برخوردار گردد. شبکه جهانی القاعده که از جمله سازمان هایی به شمار می آید که با جهانی شدن فرهنگ مخالف است یعنی از عام گرایی فرهنگی در سطح جهانی دوری می جوید و از یک فرهنگ خاص گرایانه حمایت می کند که بنیادگرایانه است، نشان داد که جهانی شدن این امکان را برای همگان و به ویژه برای سازمان های تروریستی مهیا ساخته است که به صورت شبکه ای جهانی، منعطف و افقی عمل کند و در سطح جهانی گسترش یابند. القاعده از اینترنت بیشترین استفاده را نموده است، به ویژه زرقاوی راهبردهای اینترنتی این شبکه را گسترش داد و موجب هراس بسیاری از افراد در جهان شد. اسامه بن لادن نیز تا پیش از کشته شدنش، رسانه های جهانی همچون تلویزیون های ماهواره ای و اینترنت را به مثابه یک بمب قدرتمند برای هراساندن دولت ها به کار می برد. القاعده به عنوان یک گروه بنیادگرای اسلامی نشان داد که در شرایط عام گرایی فرهنگی در فرآیند جهانی شدن،

چگونه یک نوع خاص گرایی فرهنگی می تواند به مبارزه برخیزد و چگونه می تواند امنیت جهانی را به چالش بکشد، تنها لازم است از یک ایدئولوژی جهادی برخوردار باشد تا بتواند به جذب افراد به حاشیه رانده شده از فرآیند جهانی بپردازد و آنها را در راه گسترش شبکه خود و فرهنگ عام جهانی به کار گیرد. به این ترتیب و با این توضیحات می توان گفت که فرضیه اصلی که در آن آمده بود «جهانی شدن در بُعد فرهنگی خود با توجه به گسترش فرهنگ غربی در سطح جهان موجب واکنش و افزایش جذب برخی افراد در شبکه های تروریستی بنیادگرای سلفی و در بُعد ارتباطاتی خود موجب گسترش و افزایش فعالیت های این شبکه های تروریستی با استفاده از شبکه های مجازی اینترنتی و... شده است.» تأیید شده است.

Archive of SID

منابع

- ۱- جان بیلیس، استیو اسمیت، *جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین*، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران (تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳)، ص ۴۹.
- ۲- محمد علی ناجی راد، *جهانی شدن تروریسم* (تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷)، صص ۱۶۴-۱۶۶.
- 3- Peterson, R., D. Wonder and H. Muller, *Social Problems* (New Jersey: Prentice-Hall, 1999), p. 86.
- ۴- گل محمدی، *جهانی شدن، فرهنگ، هویت* (تهران: نشرنی، ۱۳۸۱)، صص ۱۷۸-۱۷۹.
- ۵- همان، ص ۱۷۷.
- ۶- همان، صص ۱۸۷-۱۸۸.
- 7- <http://www.en.wikipedia.org.pdf>, pp. 1-2.
- 8- *Ibid*, p. 2.
- 9- James, A. Lewis, "Assessing The Risks of Cyber Terrorism, Cyber War and other Cyber Threats", <http://www.csis.org/index.php?option=com0csis-pubsandtask=view&ID=782>, pp.1-2.
- ۱۰- پیتر فلیمینگ و مایکل استول، «سایبر تروریسم: پندارها و واقعیت ها»، ترجمه اسماعیل بقایی همامنه و عباس باقر پور اردکانی»، در: جیمز دریان و دیگران، *تروریسم: تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق، گردآوری و ویرایش علیرضا، طیب*، ترجمه وحید بزرگی و دیگران (تهران: نشرنی، ۱۳۸۲)، صص ۱۶۶-۱۶۷.
- ۱۱- همان، ص ۱۶۰.
- ۱۲- حمید ضیایی پور، *جنگ نرم* (تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران)، ص ۱۸.
- ۱۳- مصطفی زهرانی، «یازده سپتامبر، جهانی شدن و برتری طلبی آمریکا»، در کتاب *روندهای جدید* فصلنامه تخصصی علوم سیاسی / شماره نوزدهم / تابستان ۱۳۹۱ ◇ ۱۷۱

- بین المللی (تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، بهار ۱۳۸۴)، ص ۳.
- ۱۴- مریم جوان شهرکی، «نقش جهانی شدن در گسترش بنیادگرایی دینی: مطالعه موردی القاعده»، *راهبرد*، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۸۷، صص ۲۶۳-۲۶۲.
- ۱۵- مهدی بخشی شیخ احمد، «القاعده و تروریسم مذهبی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۴۱، بهار ۱۳۸۷، صص ۲۰۳-۲۰۲.
- ۱۶- جوان شهرکی، *پیشین*، صص ۲۷۰-۲۶۸.
- ۱۷- حسین نوری، *جهاد* (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶)، ص ۱۵.
- ۱۸- ژیل کوپل، *پیامبر و فرعون: جنبشهای نوین اسلامی در مصر*، ترجمه حمید احمدی (تهران: کیهان، چاپ دوم، ۱۳۷۵)، ص ۲۴۰.
- 19- Gunaratna, , *Inside Al-Qaeda: Global Network of Terror* (New York: Columbia University Press, 2002), p. 86.
- ۲۰- سید قطب، *ما چه می گوئیم؟* ترجمه سید هادی خسروشاهی (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ بیست و دوم، ۱۳۷۲)، صص ۳۸-۳۷.
- ۲۱- مهدی بخشی شیخ احمد، «جهاد؛ از بن تیمیه تا بن لادن»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۸۵، صص ۱۸۱-۱۷۹.
- ۲۲- سعید انصاری راد، «اقتصاد مقابله با ترور: مقابله با پولشویی، مقابله با تروریسم»، *روزنامه سرمایه*، شماره ۱۲۲، ۲۵ بهمن ۱۳۸۴.
- ۲۳- ندا نظمی، «القاعده و مسأله جهاد»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره های ۴ و ۳، پاییز- زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۵۵-۱۵۴.
- 24- Osama Bin Ladin, "Text of Fatwah Urging Jihad Against America", *Published in Al-Qaeda- Al- Arabi* on Febuary 23, 1998, at The Institute for Counter - Terrorism's website: <http://www.ict.org.il/anticles/fatwah.html>.
- ۲۵- بخشی شیخ احمد، «جهاد؛ از ابن تیمیه تا بن لادن»، *راهبرد*، *پیشین*، صص ۲۱۰-۲۰۹.
- ۲۶- نظمی، *پیشین*، صص ۱۴۸-۱۴۷.
- ◇ ۱۷۲ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی / شماره نوزدهم / تابستان ۱۳۹۱

۲۷- جوان شهرکی، پیشین، صص ۲۶۵-۲۶۴.

28- Ari Whitten, "Arab Media counters terrorism", *The Daily Aztec*,
<http://www.the.dailызaztec.com>

29- Marc Lynch, "Al- Qaeda's Media Strategies", *The National Interest*,
Spring 2006, p. 58.

۳۰- ناجی راد، پیشین، صص ۳۲۵-۳۲۴.

۳۱- محمد مهدوی فر، «تروریسم القاعده و استراتژی های رسانه ای»، *پژوهشنامه امنیت بین الملل*
و *تروریسم*، شماره دوم، شهریور ۱۳۸۵، صص ۶۵

۳۲- همان، صص ۷۴-۷۳.

33- Lynch, *Op. Cit.*, p. 55.

۳۴- ناجی راد، پیشین، صص ۲۹۵.

۳۵- حوریه نکته دان و حافظه سیفی آزاد، «اینترنت و تأثیر آن بر فعالیت های القاعده»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره هفتم، پاییز ۱۳۸۶، صص ۲۹-۲۸.

۳۶- جوان شهرکی، پیشین، صص ۲۵۷.

۳۷- نکته دان و سیفی آزاد، پیشین، صص ۵۷-۵۶.

38- Martin C.Libicki, "Information War, Information Peace" *Journal of International Affairs*, No. 2, Spring 1998, p. 38.

۳۹- ناجی راد، پیشین، صص ۳۳۴-۳۳۳.

۴۰- همان.

۴۱- «اینترنت میدان نبرد جدید شبکه القاعده بر ضد آمریکا»، *واحد مرکزی خبر*، تاریخ دریافت
۱۳۸۹/۱۲/۲۱، ساعت ۱۴/۳۵، شماره خبر ۳۳۰۵۰۱۱.

۴۲- «ابومصعب زرقاوی پرنس القاعده»، ترجمه محمد علی فیروز آبادی، *روزنامه شرق*، سه شنبه ۲۳
خرداد ۱۳۸۵، سال سوم، شماره ۷۸۱، صص ۳.

43- Lynch, *Op. Cit.*, pp. 60-61.

44- Whitten, *Op. Cit.*

۴۵- ناجی راد، *پیشین*، صص ۳۳۷-۳۳۶.

۴۶- «القاعده تهدید به استفاده از گاز سمی کرد»، *روزنامه شرق*، سال سوم، شماره ۷۵۷، سه شنبه،

۲۲ شهریور ۱۳۸۴، ص ۸.

۴۷- محمد صادق امینی، «القاعده تهدیدی برای امنیت جهان»، *گزارش*، شماره ۱۹۲، آبان- آذر

۱۳۸۶، صص ۴۹-۵۱.

Archive of SID